«حمیدِ هما» در راه است

کتاب «حمیدِ هما» که گفت‌وشنودی با هما روستاست، به روایت محمدعلی سجادی منتشر می‌شود. ایسنا درباره معرفی این کتاب یادداشت نشر جغد را منتشر کرده که در آن آمده است: هما روستا در یک مثلث ارزشی برای من تعریف شد. نخست خودش به دلیل هما روستا بودن، دوم وجود پدرش که عضو بالای یک حزب سیاسی بود و سوم، همسر حمید سمندریان بودن که یکی از بانیان مهم تئاتر مدرن ایران است.

آلبومی با شعرخوانی سایه منتشر شد

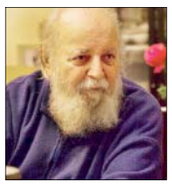

همزمان با نود و چهارمین سالروز تولد امیرهوشنگ ابتهاج، آلبوم «تا صبح شب یلدا» با شعرخوانی این شاعر و آثار آهنگسازان برگزیده موسیقی کلاسیک دنیا به همت کانون فرهنگی هنری نی داوود پیش روی مخاطبان قرار گرفت. مهر خبر داد در این آلبوم که علاوه بر نسخه دیجیتالی به‌صورت فیزیکی در قالب دو آلبوم منتشرشده، تعدادی از آثار منتخب امیرهوشنگ ابتهاج با صدای او و موسیقی تعدادی از آهنگسازان مهم برای شنوندگان ارائه شده است.

ی خنده

سراغ تجربه‌های کمدی کارگردان‌های سینمای جدی رفته‌ایم

اجارنشین‌ها که از آن به عنوان بهترین کمدی سینمای ایران نام می‌برند، از معدود فیلم‌های کمدی داریوش مهرجویی است/عکس: CIC

شأنیت ساخت کمدی را پایین آورده و باعث شده معمولا فیلمسازان مهم و معتبر، کمتر سراغ ساخت کمدی بروند یا اصلا این کار را نکنند. این را بگذارید کنار آن دیدگاه و فهم نادرست نسبت به این‌که کمدی، سطحی و پیش پاافتاده است، تا بیشتر به بی‌اعتنایی غالب فیلمسازان شاخص به کمدی پی ببرید. مورد مهم دیگر هم سختی کار کمدی است. نوشتن و ساختن و بازی کمدی جذاب و استاندارد، واقعا کار هر سینماگری نیست و یکی از دلایل مهم و تعیین‌کننده برای به سراغ کمدی نرفتن، همین است. خنداندن مردم، به شکل درست و جذابش - نه با فرمول نخ‌نمای سال‌های اخیر سینمای ایران - کار به‌مراتب سخت‌تری است تا نوشتن و ساخت یك درام ظاهرا اجتماعی، تلخ و واقعگرا.

اینجا به بهانه این‌که محمدحسین مهدویان، برای اولین بار یك فیلم کمدی که با فضای معمول و مرسوم آثار او متفاوت است، ساخته (شیشلیك) که اخیرا در سی و نهمین جشنواره فیلم فجر هم حضور داشته، سراغ کارگردان‌هایی رفته‌ایم که میان سینمای جدی، تلخ یا عبوسانه خود، یکی دو باری هم خندیده‌اند و فیلم کمدی ساخته‌اند یا به تعبیر نگاه رایج شماتت‌بار در سینمای ایران، مرتکب کمدی شده‌اند! البته ذکر این نکته ضروری است که برخی از این فیلمسازان، در لحظات و سکانس‌هایی از فیلم‌های جدی خود هم سراغ خنده و کمدی رفته‌اند. اما ما تنها فیلم‌های کمدی آنها را لحاظ کرده‌ایم و از جهت خارق عادت بودن سینمای‌شان که معمولا فیلم جدی و غیرکمدی می‌سازند، از این آثار اسم برده‌ایم. ضمن این‌که کارگردان‌هایی که در میان آثارشان، چند فیلم کمدی وجود دارد، در گزارش ما جایی ندارند، چراکه آنها دین‌شان را نسبت به خنده و خندیدن ادا کرده‌اند.

بیگانه با خنده

مسعود کیمیایی

مسعود کیمیایی، ابراهیم حاتمی‌کیا، سیروس الوند، رسول صدرعاملی، پوران درخشنده، مجید مجیدی، امیر نادری، احمدرضا درویش، سهراب شهیدثالث، حمید نعمتا... و... از جمله کارگردان‌های مهم و معتبر سینمای ایران هستند که فیلم کمدی در کارنامه آنها به چشم نمی‌خورد. به‌جز شهیدثالث که در قید حیات نیست و هیچ موقع هم انتظار ساخت کمدی از او نمی‌رفت، کارنامه و گرایش سینمایی و پرسونای فیلمسازی باقی این کارگردان‌ها، به ویژه کیمیایی و حاتمی‌کیا و مجیدی و درویش، چندان خط و ربطی به سینمای کمدی ندارد و اگر روزی خبر ساخت یك کمدی از آنها به گوش برسد، روز شگفت‌انگیزی خواهد بود.

خواب زده‌ها

لطفا نخندان!

فریدون جیرانی

جیرانی بیشتر علاقه‌مند ساخت درام‌هایی تعلیقی با مایه‌هایی جنایی است. اما او تا اینجا دو بار در سینما ساخت کمدی را هم تجربه کرد؛ اول با صورتی و بعد هم با خوابزده‌ها. جیرانی یك بار هم در تلویزیون تله‌فیلمی به نام داستان عوضی با بازی اکبر عبدی و علیرضا خسمه ساخت. با این حال باوجود اندك لحظات بامزه در این آثار، هیچ‌کدام از فیلم‌ها تجربه موفقی برای جیرانی نبود و نشان داد که خشم و غضب او بیشتر به کار تماشاگران می‌آید تا شوخی و خنده‌اش.

شب‌های لبخند

فرزاد موتمن

در چهره موتمن هم نشانی از خنده و کمدی نیست، به‌ویژه اگر با ورژن باسبیل این کارگردان خوب طرف باشیم. بنابراین شاید توقع ساخت فیلم کمدی از او هم زیاده‌خواهی باشد، اما موتمن، سینما می‌داند و با فیلم‌های خوب سینمای جهان، ازجمله جواهرات کمدی آشناست. برای همین هم باوجود سینمای اغلب جدی و حتی گاهی تلخ و ساخت فیلم‌هایی چون خداحافظی طولانی، آخرین بار کی سحر را دیدی؟ و شب‌های روشن، تا اینجا دو بار هم فیلم کمدی کارگردانی کرده؛ دومی چشم و گوش بسته بود که باوجود کپی یك فیلم آمریکایی بودن، جذابیت‌هایی داشت و تماشاگر را می‌خنداند و در گیشه هم فروش خوبی کرد و اولی هم پوپك و مش‌ماشاا... بود که آن هم گیشه خوبی داشت. اما موتمن آن زمان برای ساخت این کمدی، در نقد شماتت شد و مخاطبان جدی سینما و به‌ویژه شیفتگان شب‌های روشن، قبول نمی‌کردند که موتمن چنین فیلمی بسازد!

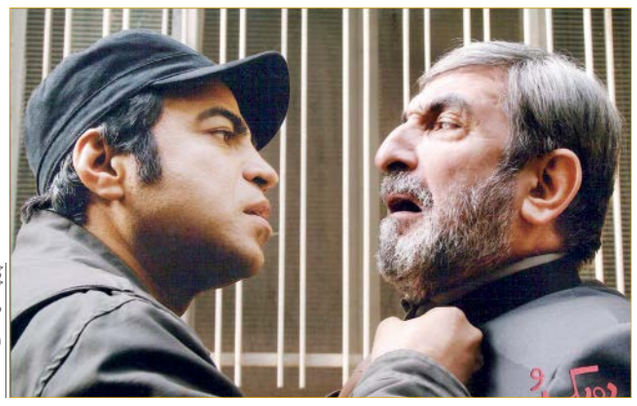

پوپک و مش‌ماشاا...

دلت نخواد

بهمن فرمان‌آرا

بهمن فرمان‌آرا هم از جمله فیلمسازانی است که باوجود روحیه شوخ‌طبعی، فیلم‌هایش کمدی نیست و مفاهیم مهم را در قالبی جدی روایت می‌کند. با این حال در آن سال‌هایی که شرایط برای ساخت فیلمی که دوست داشت فراهم نبود، به‌ناچار به عنوان کارگردان خانه قمرخانم پشت دوربین قرار گرفت، اما حتی خود فرمان‌آرا هم چندان تمایل ندارد این کمدی- اجتماعی را به عنوان فیلم اول خود درنظر بگیرد. در این چند سال اخیر این فیلمساز، فیلمی به نام «دلم می‌خواد» ساخت که فضایی کمدی و سرخوشانه داشت اما نشان داد که بهتر است به همان شوخ‌طبعی فرمان‌آرا در زندگی واقعی و مصاحبه‌هایش بسنده کنیم و توقع فیلم کمدی از او نداشته باشیم.

دلم می‌خواد

یک از دو

ابراهیم گلستان

اسرار گنج‌دره جنی

این نویسنده و کارگردان که بیشتر در سینمای مستند فعالیت می‌کرد و تنها دو فیلم سینمایی داستانی ساخت: خشت و آینه و اسرار گنج‌دره جنی. اولی یك فیلم تلخ و جدی اجتماعی که از جرقه‌های اولیه سینمای موسوم به موج نو ایران است و دومی یك کمدی متفاوت و گزنده که کنایه‌هایی به روند مدرن‌سازی پرشتاب پهلوی داشت و بعد از دو هفته از پرده پایین آمد. مجموعه مستندها و خود خشت و آینه، ظاهرا نشان می‌داد که راه گلستان از کمدی جداست، اما او با هوش خود، متوجه ظرفیت جدی سینمای کمدی شد.

خنده‌برگر

مسعود جعفری جوزانی

ایران برگر

این کارگردان بیشتر با ساخت درام‌های اجتماعی و تاریخی شناخته می‌شود و فیلم‌های جاده‌های سرد، شیر سنگی و در مسیر تندباد، به‌خوبی حکایت از سلیقه او دارد. با این حال جعفری جوزانی دو باری هم کمدی آزمایی کرد؛ ابتدا تا حدودی در فیلم یك مرد یك خرس، رگه‌هایی از کمدی را نشان داد و بعدها هم در «ایران برگر» یك کمدی شلوغ روستایی را تجربه کرد.

ساخت کمدی کار من نیست

نگاه

سیروس الوند

کارگردان سینما

برداشت مردم و مخاطب از ژانر کمدی صرفا جهت خنده و تفریح است. همچنین طی این مدت فیلم‌های طنز ما تبدیل به آثاری مبتذل شده است. متاسفانه برخی از آثار کمدی که دچار ابتذال هستند، فروش بالایی را نیز به دست آوردند و به طور تقریبی ژانر کمدی با ابتذال همردیف و همراه است.

معمولا از فیلم اجاره‌نشین‌های داریوش مهرجویی به عنوان بهترین کمدی سینمای ایران یاد می‌کنند، در حالی که این فیلم متعلق به ۴۰ سال پیش است.

من بدم نمی‌آید که ساخت فیلم کمدی را تجربه کنم، اما باید سوژه مناسب پیدا کنم تا مشتاق شوم در ژانر کمدی هم اثری تولید کنم. اتفاقا پیمان قاسمخانی همواره از من می‌پرسد که چرا یك فیلم طنز نمی‌سازم. اما من با طنز و کمدی بیگانه نیستم و فیلم «چهره» که کارگردان آن بودم از طنز قوی برخوردار بود، اما اکنون در فیلم‌های طنز و کمدی شاهد صحنه‌هایی هستم که باعث می‌شوند گاهی اوقات بازیگران خوب ما هم به سمت این هجویات کشیده شوند. به طور قطع مردم نیاز به شادی و خنده دارند و نمی‌توان انتقاد کرد که چرا مردم به تماشای این دست فیلم‌ها رغبت نشان می‌دهند.

باوجود این‌که در کل ساخت فیلم کمدی کار من نیست، اما معتقدم ما مسائل اجتماعی و سوژه‌های زیادی در این حوزه داریم که بتوان درخصوص آنها فیلم ساخت.

نگاه ساخت فیلم در حوزه اجتماعی از زمانی که من وارد حرفه خبرنگاری شدم، در وجود من شکل گرفت و این علاقه تا زمانی که وارد سینما شدم، در وجود من ماندگار شد.

درحال حاضر مشغول نگارش فیلمنامه‌ای هستم که امیدوارم شرایط ساخت آن نیز فراهم شود. داستان فیلم درباره وضعیت تهران است. اکنون در تهران معنی بالای شهر و پایین شهر از بین رفته است، همه افراد شبیه به همدیگر لباس می‌پوشند و ادبیات کلامی آنها هم چندان تفاوتی ندارد. بدین معنی که فرد تحصیلکرده همان‌گونه صحبت می‌کند که یك فرد لمپن صحبت می‌کند. تفاوتی دیگر در ادبیات سخن افراد دیده نمی‌شود و دیگر نمی‌توان تشخیص داد که این شخص ساکن مناطق بالای شهر یا پایین شهر است.

این‌که یك شخصی راننده است و مسافرکشی می‌کند، از شهر دیگری به تهران آمده و اصلا تهران را هم بلد نیست، پیش از این مشغول به شغل تراشکاری بوده، پس از بسته شدن محل کارش به تهران برای کار می‌آید و در همان ماشین زندگی هم می‌کند، به عقیده من این راننده خودش یك کاراکتر نمایشی بسیار جالب است. این‌که تهران را نمی‌شناسد، شغل مسافرکشی هم دارد و باید مردم را به مقصد برساند. این به عقیده من یك تراژدی و کمدی است و سوژه خوبی برای ساخت یك فیلم می‌تواند باشد. چراکه شغل او با میزان اطلاعات و آگاهی او از تهران تعارض دارد. هنگامی که شاهد چنین سوژه و اتفاقاتی هستم، ترغیب می‌شوم در ژانر اجتماعی فیلمسازی کنم.

کمدی نامتعارف

بهرام توکلی

من دیه‌گو مارادونا هستم

او که یکی از داوران سی و نهمین دوره جشنواره فیلم فجر بود، معمولا فیلم‌هایی می‌سازد که سویه تلخ و غم‌انگیز آنها بیشتر است. غلامرضا تختی، تنگه ابوقریب، آسمان زرد کم‌عمق و اینجا بدون من. توکلی البته تا اینجا یك بار ساخت کمدی را هم تجربه کرده و «من دیه‌گو مارادونا هستم» را ساخت که یك کمدی معمولی و متعارف نبود و همان تلخی و گزندگی فیلم‌های جدی‌اش را داشت.

دایی جان ناصر

ناصر تقوایی

ای ایران

گرچه تقوایی در سینما بسیار گزیده‌کار است و در همه سال‌های فعالیتش در سینما شش فیلم بیشتر نساخت، اما حتی در همین کمیت اندك، ولی باکیفیت هم از کمدی غافل نبود و ای ایران را ساخت. فیلمی با بازی اکبر عبدی که امکان حضور در بخش مسابقه جشنواره فیلم فجر را هم پیدا نکرد؛ شاید به دلیل تعبیرهای سیاسی یا این‌که شاید در آن دوره، تاب کمدی پرنیش و کنایه تقوایی را نداشتند. گرچه تنها یك کمدی در کارنامه تقوایی به چشم می‌خورد، اما فراموش نکنیم که او کارگردان سریال دایی‌جان ناپلئون است. همچنین در ناخدا خورشید او هم شخصیت ملول (سعید پورصمیمی)، با شوخی و خنده بیگانه نیست.